

فصلنامه مطالعات سیاسی  
سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۲  
صفحات: ۶۶-۴۵  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۸/۲۰

## جهادگرایی نوین و نگاه القاعده به مفهوم جهاد

دکتر احمد بخشایش اردستانی\* / حامد مظلومی\*\*

### چکیده

در متون اسلامی از جنگ در راه خدا با عنوان «جهاد» نام برده می‌شود. علیرغم آنکه جهاد در اسلام مطلقاً ماهیت دفاعی دارد، جهادگرایان نوین با استفاده گزینشی از آیات قرآن کریم جبهه‌ای جنگی علیه غرب گشوده‌اند. دغدغه اصلی تحقیق حاضر شناساندن آنچه آن را «جهادگرایی نوین»<sup>۱</sup> نامیده‌ایم - به عنوان پدیده ای جهانی شده - می‌باشد؛ که به این منظور از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. نتایج بدست آمده این است که «جهادگرایی نوین»، به نمایندگی القاعده، واکنش افراط گرایان خشونت طلب اسلامی، علیه هژمونی غربی است. از آنجا که «جهادگرایی نوین» در بستر جهانی شدن رشد و نمو یافته است، از ابزارهای جهانی شدن مثل تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کند؛ و القاعده گرایی فراملیتی، به یک تهدید غیرمتمرکز فرا سرزمینی بدل گشته است.

### کلید واژه‌ها

جهاد، القاعده، اسلام، غرب، بن لادن، جهادگرایی نوین.

\* عضو هیات علمی و استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ایران  
ahmadbakhshayeshi2000@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران  
hamedmazloomi@yahoo.com

۱- اصطلاح «جهادگرایی نوین» اشاره است به تروریسم معاصر منتسب به برخی از مسلمانان که به نام اسلام خود را در حال ستیز علیه غرب می‌دانند. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را می‌توان نقطه عطفی بر آن و القاعده را نماد اصلی آن دانست.

## مقدمه

جهت فهم تحولات امور جهانی باید رفتار انسان‌های در معرض قدرت قرارگرفته، جوامع حاشیه ای شده، جوامع ناراضی، گروه‌های مذهبی و غیره را ملاحظه نمود. رفتارهایی که بیانگر رویکرد کسانی است که درگیر مقاومت در برابر کردارهای سیاسی بوده‌اند. این رفتارها، واکنش‌هایی ضدژئومونیک هستند که مبین مقاومت در برابر تحمیل «قدرت از بالا» است. اهمیت این پژوهش تنها به دلیل تهدیدهای فزاینده امنیتی پیشروی جامعه جهانی نیست بلکه پرهیاهو شدن نقش مسلمانان در این موضوع نیز بر اهمیت آن افزوده است. در متون اسلامی از جنگ در راه خدا با عنوان «جهاد» نام برده می‌شود و یکی از فروع ده‌گانه دین اسلام است. ضمناً جهاد یکی از ابواب فقه اسلامی است. کلمات با ریشه «ج ه د» حدود ۱۰۸ بار در قرآن کریم آمده است. «جهاد» یکی از چالش‌انگیزترین مباحث پیرامون اسلام بوده است. اما جهادگرایی معاصر ناظر بر استفاده خشونت برای رسالت مقدسی که از سوی «اسلام» تعیین شده است؛ زیرا افراط‌گرایان خشونت طلب اسلامی دنیا را متشکل از اهل ایمان و اهل کفر میدانند که مبارزه ای بی‌امان بین ایمان و کفر در حال وقوع است و در پایان تاریخ به پیروزی قطعی مؤمنان و شکست محتوم کفار ختم خواهد شد. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به شناساندن آنچه آن را «جهادگرایی نوین» نامیده‌ایم می‌پردازیم و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت بهره‌گیری از منابع کتابخانه ای و اینترنتی است. مقاله پژوهشی پیش رو به دو گفتار اصلی: ۱- جهادگرایی و مفهوم جهاد در اسلام و ۲- «جهادگرایی نوین» و القاعده در عرصه جهانی؛ سازماندهی شده است که هر کدام دارای گفتارهای فرعی می‌باشند. در انتهای نوشتار نیز نتیجه‌گیری پژوهش مطرح می‌شود.

### گفتار اول: جهادگرایی و مفهوم جهاد در اسلام

#### الف) مفهوم جهاد در فقه کلاسیک شیعه و سنی

فقه کلاسیک اسلامی، اعم از اهل سنت و شیعه، جهاد را بر دو نوع ابتدائی و دفاعی تقسیم می‌کند. در دیدگاه کلاسیک اصل بر جهاد است و منظور از جهاد هم جهاد ابتدایی است که حداقل به صورت واجب کفایی بر هر مسلمانی واجب است (البعلی، ۱۹۸۱: ۲۰۹). این دیدگاه به ویژه در اهل سنت آیات جهاد را «ناسخ» آیات صلح در قرآن می‌داند (المقری، ۱۹۸۴: ۲۹-).

۳۰ و ابن حزم، ۱۹۸۶م: ۲۷). و لذا جهاد را از وظایف دینی تعلیق ناپذیر مسلمانان تا روز قیامت تلقی می‌کند.

ابوبکر محمد بن ابی السهل السرخسی (مرگ ۴۸۲ق)، از فقیهان مکتب حنفی اهل سنت، آیات قرآن را به گونه ای چیده است که گویی احکام رابطه مسلمانان با غیر مسلمانان، از اعراض و ترک رابطه تا دعوت به اسلام از راه موعظه، تا جنگ دفاعی در صورت تهاجم دشمن، و سرانجام تا تهاجم ابتدایی به غیر مسلمانان، تحول یافته و در این آخری به عنوان حکم نهایی تثبیت شده است (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۳). وی می‌نویسد:

«رسول الله ابتدا مأمور به اعراض از مشرکان بود، سپس دستور یافت که آنان را با موعظه و جدال احسن به دین فرا خواند. سپس مأمور شد که در صورت هجوم ابتدایی (آنان) اقدام به جنگ کند و سرانجام مأمور به جنگ ابتدایی گردید. بدین سان، امر بر فریضه جهاد با مشرکین تثبیت و مستقر گردید و آن واجبی است که تا قیام قیامت استوار خواهد بود؛ و هو فرض قائم الی قیام الساعة» (السرخسی، ۱۹۸۶م: ۲).

امام محمد شافعی (۱۵۰-۲۰۴ق)، رهبر مذهب شافعی، یکی از مذاهب فقهی چهار گانه اهل سنت، عقیده دارد که آیات ناظر به صلح و نهی از جنگ تا شروع تهاجم دشمن، و نیز منع جنگ در ماه‌های حرام شرعی، همه با نزول آیه «وقاتلوهم حتی لا تكون فتنه» (سوره بقره، آیه ۱۹۳) منسوخ شده است (الشافعی، ۱۳۹۳ق: ۱۶۱). ابو محمد المقدسی (۵۴۰-۶۲۰ق)، که از فقهای حنبلی است، همانند شافعی بر نظریه جهاد ابتدایی، حداقل سالی یک بار تأکید کرده است (المقدسی، بی تاریخ: ۲۵۲-۲۵۴). ابو عمر یوسف بن عبد الله القرطبی (۴۶۳ق) از رهبران مذهب مالکی نیز البته چنین مسیر فقهی در باب جهاد ابتدایی را طی کرده است (القرطبی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۵). ابو البرکات مالکی (وفات: ۱۳۰۲) در شرح کبیر، جهاد را حتی با وجود والی و امیر جائز نیز واجب دانسته است (ابوالبرکات، ۱۹۸۶م: ۱۷۲).

اندیشه جهاد ابتدایی در آثار حنفی نیز با همان سیاق دیگر مکاتب فقهی و کلاسیک اهل سنت تأکید شده است. نویسنده «تبیین الحقایق» می‌نویسد: «بر ما واجب است که به جنگ علیه آنان [مشرکین] شروع کنیم، هرچند که آنان اقدام و شروع به تهاجم علیه ما نداشته باشند. زیرا خداوند قتال مشرکین را واجب دانسته و هرگز جور جائز و عدل عادل قادر به ابطال این واجب نمی‌باشد تا اینکه مردمان لا اله الا الله گویند.» وی در تبیین وجوب کفایی جهاد، به «اجماع امت» نیز به عنوان یک دلیل فقهی اشاره و استناد می‌کند (الزیلعلی، ۱۳۱۳ق: ۲۴۱).

فقه کلاسیک شیعه، از لحاظ روش شناسی و شیوه استدلال، همسان اهل سنت بوده و چنانکه از آیت الله بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۰ق) نقل شده است، چونان حاشیه ای انتقادی بر فقه سنی می‌باشد. با این تفاوت که از حیث اصول اعتقادی بر مبنای امامت امام معصوم استوار است. این تفاوت کلامی موجب شده است که دستگاه فقه شیعه «اخبار امامان معصوم شیعه» را چونان منبع مفسر قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) تلقی کنند. در نتیجه، بخصوص در باب ماهیت جهاد، اندیشه شیعه تفاوتی تعیین کننده با فکر سنی پیدا کرده است.

فقه شیعه نیز همانند اهل سنت، جهاد را فریضه‌ای از فرایض اسلام و رکنی از ارکان دین و البته واجب کفایی می‌داند. اما، بلا فاصله قید بسیار مهمی می‌افزاید و آن اینکه جهاد جز به حضور و اذن امام عادل - که در فقه کلاسیک شیعه به امام معصوم تعریف شده است - جایز نمی‌باشد (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن حسن طوسی (۳۸۰-۴۶۰ق)، از بزرگان فقه شیعه، در «النهایه» می‌نویسد: «جهاد فریضه ای از فرائض اسلام و از ارکان آن محسوب می‌شود که واجب کفایی است. به این معنی که بر همه مردم (به جز زنان، پیران، مریض‌ها، کودکان و دیوانگان) واجب است که به قدر کفایت قیام به امر جهاد کنند. اما... از جمله شروط جهاد وجود امام عادل است که جهاد جز به اذن او جایز نیست. و جهاد بدون ظهور او، یا حضور کسی که او ادر زمان ظهور [برای اداره امور مسلمین نصب نمود و خود امام یا چنین نایبش مردم را به جهاد دعوت نکنند شایسته نخواهد بود و بر مردم واجب نمی‌شود. پس تا زمانی که امام ظاهر نبوده و منصوب او حاضر نباشد، جهاد با دشمن جایز نخواهد بود. و جهاد با ائمه جور یا غیر امام [معصوم ظاهر] خطائی است که انجام دهنده آن مستحق گناه است. و اگر موفق شود اجری نخواهد داشت و اگر شکست خورده و آسیب ببیند گناهکار خواهد بود. مگر اینکه مسلمانان مورد هجوم دشمن قرار گیرند و اساس اسلام یا جان و مال خاندانش مورد تهدید قرار گیرد. در این صورت جهاد و دفاع واجب است حتی با امام جائز، اما نه به قصد جهاد ابتدایی یا همراهی امام جائز، بلکه به قصد دفاع از نفس و خویشان و مؤمنان و اساس اسلام» (الطوسی، بی تاریخ: ۲۸۹-۲۹۰).

عبارات فوق ساختار عمومی بیان شیعه در باب ماهیت جهاد در اسلام است که گفته می‌شود در امتداد فقه الجهاد اهل سنت در دوره میانه و در تناظر با آن قرار دارد (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲: ۴۶)؛ و بی هیچ تغییری از شیخ طوسی (۳۸۰-۴۶۰ق) تا محمد حسن نجفی

صاحب جواهر (۱۲۶۶ق)، مؤلف بزرگ‌ترین موسوعه متاخر شیعه به نام «جواهر الکلام» و بعد از آن تداوم یافته است (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

سخن شیخ طوسی دو نکته اساسی دارد؛ یکی آنکه، جهاد را- چونان اهل سنت- به جهاد ابتدائی و دفاعی تقسیم می‌کند. دوم آنکه جهاد ابتدائی را مشروط به زمانه ظهور امام معصوم (ع)، یا حضور نماینده منصوب او در زمان ظهور، و دعوت او یا نماینده ویژه‌اش به جهاد می‌داند. و بنابراین جهاد در رکاب رهبران و حاکمان جائز را نفی می‌کند. این دو شرط شروط تعیین کننده موضع شیعه در باب جهاد است؛ به این دلیل که تصمیم و اقدام به جهاد از وظایف اختصاصی امام معصوم است؛ و بدین لحاظ که امام معصوم شیعه اثنی‌عشری از سال ۲۶۱ق تا کنون در غیبت است، جهاد ابتدایی از دیدگاه شیعه عملاً منتفی و در دوره غیبت به تعلیق افتاده است. بدین سان، در فقه کلاسیک شیعه اندیشه مشهور و دیدگاه غالب شیعه که بعضاً ادعای اجماع هم شده است، حکم به «تعطیل جهاد ابتدایی» به رغم پذیرش ساختار عمومی فقه سنی در باب جهاد شده است (همان: ۱۳۵).

#### ب) رویکردهای جدید در فقه اسلامی (شیعه و سنی)

رویکردهای انتقادی معاصر در فقه اسلامی، اعم از شیعه و سنی، به سمت تفسیرهای جدیدی از آیات جهاد قرآن گرایش پیدا کرده‌اند. در بین متفکران اهل سنت می‌توان به اندیشه‌های شیخ محمد عبده اشاره کرد (عبده، ۱۴۱۷ق: ۲۱۵-۲۱۰)، و از متفکران معاصر شیعه می‌توان تفکرات مرتضی مطهری (مطهری، ۱۳۷۳: ۷) و صالحی نجف آبادی (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲) را نام برد. بر خلاف فقه کلاسیک، که آیات مطلق جهاد را ناسخ آیات مقیده می‌دانستند و به اصالت جهاد ابتدایی حکم می‌کردند، این اندیشمندان، آیات مقیده را مفسر آیات مطلق جهاد قرار می‌دهند و بنابراین به اصالت صلح و ماهیت دفاعی جهاد در اسلام نظر دارند. بر اساس دیدگاه‌های جدید، تقسیم دوگانه جهاد در فقه کلاسیک به جهاد ابتدایی و دفاعی از هم پاشیده و کل جهاد در اسلام ماهیت دفاعی پیدا کرده است. این نکات، از آن روی اهمیت دارد که ماهیت مطلقاً دفاعی جهاد در فقه شیعه در دوره غیبت را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، قطع نظر از امکان تحول و پیدایی نظریه‌های جدید در فقه اسلامی، تفکر شیعی در فقه الجهاد همواره بر جهاد دفاعی استوار است.

### ج) قرآن و جهاد

آیات قرآنی درباره جنگ و صلح بر دو نوع است: الف) برخی آیات به گونه ای هستند که جنگ با غیر مسلمانان را مشروط و مقید بر شرط خاصی کرده‌اند که همانا تهاجم دشمن و پیدایی فتنه ناشی از این تهاجم است؛ ب) آیات مطلق هستند که فارغ از هرگونه شرطی به جهاد توصیه می‌کنند. فقه کلاسیک شیعه، چنانکه گذشت، همانند اهل سنت آیات مطلق جهاد را اولویت می‌داد و آنگاه، با اشاره به شرط وجود امامت معصوم در جهاد، به تعلیق جهاد در دوره غیبت می‌پرداخت. اما تفسیرهای جدید شیعه تأکید دارند که بر اساس قواعد فقهی/ حقوقی، آیات مطلقه حمل بر آیات مقیده می‌شوند و بدین سان، آیات مقید به تهاجم و فتنه دشمن، مفسر آیاتی تلقی می‌شوند که مطلق و بی قید و شرط هستند. طبق دیدگاه صالحی نجف آبادی، قاعده حمل مطلق بر مقید یک قانون عمومی است که در همه عرفها و همه زبانها به آن عمل می‌شود (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲: ۳۰-۳۲).

لیکن مفسران قدیم، به ویژه اهل سنت عقیده داشتند که آیات مقید به وسیله آیات مطلق مثل «و قاتلوا المشرکین کافه» (سوره توبه، آیه ۳۶) نسخ شده است (الطبری، ۱۴۰۵ق: ۱۲۴). به هر حال آیاتی که اصالت را به صلح داده و جنگ را مشروط به فتنه ناشی از تهاجم کفار می‌دانند بسیارند و سیاق آنها به گونه ای است که مفسرین معاصر اعم از شیعه و سنی را به ماهیت دفاعی آیات جهاد در قرآن سوق داده است (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). در قرآن آمده است: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» (سوره انفال، آیه ۶۰) که آمادگی دفاعی را امر واجب تلقی نموده و مهاجمان را یکبارہ دشمن خدا و شما معرفی می‌کند ولی بلا فاصله در آیه بعد به اصالت صلح تأکید شده و آمده است: «وان جنحوا للسلیم فاجنح لها و توکل علی الله انه سمیع علیم»، و هرگاه به صلح و سلامت روی آوردند شما نیز بدان پایبند باشید و به خدا توکل کنید که او شنوا و دانا است (سوره انفال، آیه ۶۱).

برخی از قدمای عالمان شیعه مانند سید علی طباطبائی (فوت ۱۲۳۱ق) نوشته است که این آیه [آیه سلم] جزو آیات منسوخه تلقی نشده است؛ اطلاقش حاکی از تداوم صلح بلا عوض می‌نماید و البته ناظر به جواز صلح فقط در شرایط اضطرار نیست (الطباطبائی، ۱۴۱۲: ۴۹۵ و ۴۸۷).

اما در جای دیگری از قرآن نیز آمده است که «در راه خداوند با کسانی بجنگید که آغازگر جنگ مسلحانه علیه شما هستند، و تجاوز نکنید که خداوند متجاوزان را دوست ندارد» (سوره

بقره، آیه ۱۹۰). آیه بعد نیز تأکید دارد که «اگر آنان به جنگ و کشتار شما اقدام کردند به جنگ و کشتارشان اقدام کنید که این جزای کافران مهاجم است» (سوره بقره، آیه ۱۹۱). در همین سوره بقره، با اندک فاصله ای، تجاوز را تهلکه [خویشتن را به هلاک انداختن] معرفی می‌شود و توصیه می‌شود که «هرگز خویشتن را به هلاکت نیندازید» (سوره بقره، آیه ۱۹۵). و سرانجام، سوره حج، آیات ۳۹-۴۰، با اشاره به فلسفه دفاع، یک جمع بندی عمومی از دیدگاه قرآن در باب ماهیت دفاعی جهاد ارائه می‌کند (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۹) و می‌گوید: «به آنان که مورد هجوم نظامی واقع شده‌اند اجازه داده شده است [که برای دفاع از خود بجنگند] به دلیل اینکه مظلوم واقع شده‌اند، و بی شک خدا بر نصرت آنان توانا است. هم آنان که از دیار خود به ناحق اخراج شدند، فقط به جرم اینکه می‌گفتند پروردگار ما خدای یکتا است. و اگر خدا [شر] بعضی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کنیسه‌ها و کنش‌ها و مسجدهایی که در آن‌ها فراوان ذکر خدا می‌شود ویران می‌شد. و همانا خدا هر کس را که یاریش کند یاری می‌کند. بی گمان خدا پر قوت و با عزت است» (سوره حج، آیات ۳۹-۴۰).

بر خلاف غرب جدید که نگاهی سکیولار به جنگ دارد، ماهیت جنگ و اخلاق نظامی در جهان اسلام خاستگاهی مذهبی دارد. بنا بر این نصوص<sup>۱</sup> دینی تعیین کننده رفتار انسان مسلمان در خصوص جنگ و اخلاق نظامی در گذشته و امروز می‌باشد. درست به همین دلیل است که بحث جنگ و صلح در جهان اسلام در قلمرو دانشی به نام «دانش فقه» قرار دارد. فقه اسلامی در باب جهاد، به اعتبار تحولات تاریخی، و نیز تفاوت در مبانی شیعه و سنی، دو تقسیم دوگانه و مهم دارد؛ ۱- تقسیم فقه الجهاد به قدیم و جدید؛ و ۲- تقسیم دیدگاه‌های فقهی جهاد به فقه شیعه و سنی. فقه کلاسیک اسلامی اصالت را به جهاد می‌داد و آیات مطلق جهادی را که در قرآن آمده‌اند، «ناسخ» آیات مقید دانسته‌اند که جهاد را مشروط به تهاجم دیگران می‌نمود. به همین دلیل هم حکم جهاد را حکم عمومی میدانست که تا قیامت باقی است و دلیلی بر نسخ آن دیده نمی‌شود. برعکس، نظریه‌های جدید فقهی از اصالت صلح صحبت می‌کنند و در تفسیر آیات جهادی قرآن به قاعده عقلانی و جهان شمولی استناد می‌کنند که «امر مقید و مشروط مفسر امر مطلق و نامشروط است». بنا بر این ضرورت دارد آیات مطلق

1 - Texts

جهاد در قرآن به اعتبار آیات مقید تفسیر و تبیین شوند که جهاد را مشروط به تحقق تهاجم بیگانگان نموده است. در نتیجه، جهاد در اسلام مطلقاً ماهیت دفاعی دارد. نظریه‌های جدید فقهی، اندیشه کلاسیک مسلمانان در تقسیم جهاد به ابتدایی و دفاعی را از بنیاد انکار و نامربوط می‌دانند (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

#### د) جهاد در اسلام و غرب

برخی اندیشمندان مانند برنارد لوئیس و ساموئل هانتینگتون بین اسلام و خشونت قائل به رابطه ای علی هستند. از نظر آنها جهاد، موضوعی محوری در برداشت همه مسلمانان از جهان می‌باشد. لوئیس گفته است: «اکثریت قابل توجه علما، فقها و سنت‌گرایان اسلامی ... وظیفه جهاد را در یک حالت مذهبی فهم می‌کنند» (Lewis, 1998: 72). وی در مقاله ای تحت عنوان «ریشه‌های خشم مسلمانان» نوشت: «... اسلام هم مثل دیگر ادیان جهان گاهی یک حالت خشونت را در پیروان خود ترویج می‌کند» (Lewis, 1990: 60).

هانتینگتون در کتاب خود، «برخوردها تمدن‌ها»، بحث کرده است که مسأله عمده برای غرب، بنیادگرایی اسلامی نیست بلکه خود اسلام است؛ یک تمدن مختلف که مردم آن به برتری فرهنگی خود اعتقاد دارند و حقیر شدن قدرتشان آنها را نگران کرده است (Huntington, 1996: 209-218).

فردهالیدی گفته است: بین اسلام و «اسلام» تفاوت وجود دارد؛ اسلام به عنوان یک دین شامل عقاید خاص و روشن درباره مسائل ماوراء طبیعت و مربوط به اخلاق، سرنوشت و معنا است. این موضوعی برای معتقدان و دین‌شناسان است. اما در خصوص «اسلام» شامل جوامع خاص و نظام‌های سیاسی خاص با متغیرهای زمانی و مکانی می‌شود که در آن نمادها و اعتقادات اسلامی قرار می‌گیرد (Holliday, 2003: 2).

با استفاده از نظرات وینچنزو اولیوتی - به لحاظ ایدئولوژیک - سه رویکرد کلان را می‌توان مطرح کرد: اول اسلام کلاسیک که همان شیوه مرسوم و متداول در تاریخ اسلام است و همه فرقه‌ها را نیز شامل می‌شود (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، خوارج، جعفری و زیدی). دوم نوگرایی اسلامی که در سطح روشنفکران مذهبی بیشتر جریان دارد و به تفسیر مدرن از اسلام اعتقاد دارد. سوم بنیادگرایی اسلامی که خواستار پیاده کردن شریعت اسلامی بر اساس مدل جامعه نخستین اسلامی و تشکیل دولت اسلامی می‌باشد (Oliveti, 2002: 10-12).



وینچنزو اولیوتی ادامه می‌دهد که در اسلام کلاسیک و بطور کلی در دین اسلام، جهاد یکی از ارکان اساسی اسلام و همچنین یک ارزش اخلاقی محسوب می‌شود. جهاد از این دیدگاه شامل هر گونه تلاش از نوع مثبت می‌شود. جهاد شامل جهاد اکبر (جهاد با نفس) و جهاد اصغر (جهاد با کفار) می‌شود. همچنین از زاویه دیگر اسلام کلاسیک جهاد را به جهاد تهاجمی (یا ابتدایی) و جهاد تدافعی تقسیم می‌کند؛ اکثر علمای اسلام بر این نکته توافق دارند که پس از پیامبر اسلام و خلفای چهارگانه، جهاد تهاجمی دیگر معنا و مفهومی ندارد- جالب اینجاست که جهادگرایان نوین خشونتشان را به نوعی مبارزه علیه تجاوز به اسلام می‌دانند- و صرفاً جهاد تدافعی واجب است و در ضمن یک تکلیف جمعی یا واجب کفایی است و آن گونه که جهادگرایان معاصر اعتقاد دارند تکلیف شخصی یا واجب عینی نیست (Ibid : 10-12).

جان اسپوزیتو، بیان کرده است که از اواخر قرن ۲۰ کلمه جهاد از سوی جنبش‌های آزادیخواه (مانند مجاهدین افغانی، جدایی طلبان چین، کشمیر، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین) و همچنین گروه‌های تروریستی مانند القاعده برای مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود و ایجاد انگیزه در پیروان مورد استفاده قرار گرفته است. جهاد از نظر او دارای معانی مختلفی است که در تاریخ اسلام مورد استفاده قرار گرفته است. در سال‌های اخیر برخی از مسلمانان که آنها را تحت عنوان «جهادگرایان» می‌خوانند، جهاد را یک وظیفه دینی جهانی برای همه مسلمانان می‌دانند تا با اتحاد و انسجام جهانی، انقلاب اسلامی جهانی را ایجاد کنند (اسپوزیتو، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۳).

بنیادگرایی معاصر اسلامی در دهه‌های اخیر به ترویج و تشویق عملیات تروریستی انتحاری پرداخته است. اما اسلام کلاسیک هم مثل مسیحیت و یهودیت کشتن بی‌گناهان و نیز خودکشی را حرام می‌داند و آن را یک گناه بزرگ به حساب می‌آورد (عباس زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

## گفتار دوم: جهاد در عرصه جهانی و القاعده

### الف) جهادگرایی نوین

به عقیده افراط‌گرایان خشونت طلب اسلامی، گویا به‌کارگیری خشونت یا تروریسم به مسلمانان اجازه می‌دهد دروغ‌های غرب را به خوبی تشخیص دهند و غرب به ظاهر قدرتمند اما ترسو را وادار به عقب نشینی از جهان اسلام سازند و در انتظار شکست نهایی‌اش باشند (Walton, 2004: 303-312) استیلای امپریالیستی بر جهان اسلام، حمایت از اسرائیل و

تهاجمات بر عراق و افغانستان نگرانی‌های مسلمانان را شدت بخشیده و نفرت آنها را از غرب افزایش داده (Clement, 2005). حقوق بشر، آزادی و دموکراسی به مثابه ابزارهای پنهانی قدرتی در نظر گرفته می‌شوند که در خدمت منافع ملت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا هستند (Najjar, 2005). به نظر می‌رسد استفاده القاعده از مفهوم جهاد، انفعال و عکس‌العملی علیه جهانی شدن هژمونی غربی باشد.

#### ۱- حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: نقطه عطف «جهادگرایی نوین»

دستاوردهای تکنولوژیکی، جریان سرمایه و جنبش مردمی آزاد ناشی از این فرایند تروریسم را قادر ساخته تا نارضایتی‌های محلی خود را بیان کند و با شیوه‌ای که هرگز به کار گرفته نشده با نمادهای اساسی قدرت آمریکا به مقابله برخیزد. در خصوص ۱۱ سپتامبر، القاعده نمونه‌ای از طبیعت پیش‌بینی‌ناپذیر یک جامعه جهانی به هم پیوسته و شبکه‌ای را ارائه کرد (Kellner, 2005) که در آن شبکه‌ای پنهانی تمام فعالیت خود را به مبارزه با ایالات متحده اختصاص داد. به نظر هینبوش (۲۰۰۳) تصادفی نیست که خاورمیانه شاهد بیشترین آمار حوادث تروریستی بین‌المللی بوده و یا به طور روزافزون ایالات متحده هدف این حملات واقع می‌شود. اسامه بن لادن و پیروان عرب افغان<sup>۱</sup> وی تا حدودی آفریده ایالات متحده بودند و آنچه که آنان را در مقابل ایالات متحده قرار داد به ویژه حضور مستمر ایالات متحده در عربستان سعودی، کنترل شناسایی شده‌اش بر نفت اعراب، محاصره عراق و حمایت از ستم اسرائیل بر فلسطینیان بود. لورا گوآزون (Guazzone, 1997) در کتاب خود به پارادوکس هژمونی ایالات متحده در منطقه اشاره می‌کند: در حالی که این هژمونی در سطح نظامی خاورمیانه را در مقابل کشورهای تجدیدنظر طلب تثبیت می‌نماید، در سطح اجتماعی به‌کارگیری جانبدارانه و غیرمنصفانه‌اش به طور مداوم سبب برانگیختگی واکنش ملی‌گرا و اسلامی می‌شود که این امر دیگر منطقه را جوشان نگه می‌دارد.

۱۱ سپتامبر بیانیه آشکاری بود از اثربخشی جهاد جهانی شده (Griffel, 2003). القاعده همان گونه که از جهانی شدن بهره برد، اینترنت را نیز جهت فرستادن پیام‌هایش و انتقال پول، افراد، تبلیغات<sup>۲</sup> و ترور خود به کار گرفت. به همین منوال راجر اسکروتن (Scruton, 2002):

1 - Arab Afghans

2 - Propaganda

188-172) استدلال می‌کند که زیرساخت<sup>۱</sup> و تکنیک‌هایی که القاعده بر آنها مبتنی است هدایای نهادهای نوین جهانی است. همان‌طور که جهانی شدن بسیاری از کشورهای جهان را متأثر می‌سازد، پیروان و سلول‌های القاعده اکنون در بیش از ۶۰ کشور تأسیس شده‌اند (Campbell, 2002). به علاوه، شکل جدید اسلام جهانی شده به طور انکارناپذیری تهدیدآمیز است، چرا که اشتیاق برای عضویتی که جهانی شدن خود ایجاد کرده است را ارضا می‌کند. تروریسم جهانی و حوادث تروریستی موجب دسترس پذیری تکنولوژی جدید قدرتمند و بعضاً مرگبار برای گروه‌ها و افرادی شد که پیش از آن هیچ گونه دسترسی به آن نداشتند و یا دسترسی آنان محدود بود. ابزارهای متداول ارتباطات یا حمل و نقل عمومی در هر زمان قابل تبدیل به سلاح‌های تخریب جمعی<sup>۲</sup> یا حداقل ترور جمعی<sup>۳</sup> بوده که شرایط جنگ نامتقارن<sup>۴</sup> را به وجود می‌آورند (Kellner, 2005) که در آن افراد و گروه‌های ضعیف‌تر می‌توانند با ابرقدرت‌ها<sup>۵</sup> به مقابله بپردازند.

در زمان حاضر، قرار گرفتن ایالات متحده در معرض تروریسم بین‌المللی، ریشه در سیاست‌گذاری‌های این کشور به مسایل جهانی- از جمله یکجانبه‌گرایی دولت ایالات متحده- دارد. این نوع سیاست‌گذاری‌ها معمولاً موجب واکنش افراطیون نسبت به آن می‌شود، زیرا به نظر آنها، تلاش‌های آمریکا موجب منع تغییرات و تحولات سیاسی مورد علاقه مردم ساکن در سرزمین‌ها و کشور‌هایشان می‌شود. این مسأله سیاسی، به همراه تنبیه‌ها و تشویق‌های اقتصادی و در نهایت با حضور نظامی آمریکا در برتری جویی بر بازیگرانی که استانداردهای این ساختار را رعایت نمی‌کنند و یا به منظور حمایت از رژیم‌های منطقه که خواست عمومی مردم ساکن در منطقه را مورد توجه قرار نمی‌دهند- اما با ساختار و استانداردهای هژمون غربی هماهنگ هستند- در کنار هم قرار می‌گیرند تا عده‌ای با ابزاری به نام تروریسم، ایالات متحده را به ترک منافع خود در مناطق مختلف از جمله خاورمیانه وادار کنند و اعتراض خود را نسبت به هژمون غربی نشان دهند (Crenshaw, 2001: 432).

- 
- 1- Infrastructure
  - 2- Mass Destruction
  - 3- Mass Terror
  - 4- Asymmetrical War
  - 5- Superpowers

## ۲- القاعده

شبکه القاعده توسط عبدالله عظام از اخوان المسلمین اردن و فلسطینی الاصل بنیان‌گذاری شد و دعوت به جهاد علیه شوروی می‌کرد - در زمانی که شوروی مورد اعتراض مسلمانان - از ایران گرفته تا لبنان - قرار داشت. عبدالله عظام در پایان سال‌های ۱۹۷۰ استاد دانشگاه ریاض بود، در آن جا اسامه بن لادن شاگرد وی بود. عظام دفتر خدمات (مکتب الخدمات) را در پیشاور تأسیس کرد تا در آن جا داوطلبانی را که از مناطق مختلف خاورمیانه آمده بودند به سوی افغانستان هدایت و راهنمایی کند. این نطفه پیش گام القاعده بود. از سال ۱۹۸۶ تعداد داوطلبان، که افغان‌ها همگی آنان را «عرب» می‌نامیدند، افزایش پیدا کرد. آنها نه تنها در مبارزه شرکت می‌کردند بلکه تبلیغات سلفی را علیه رسوم و عادات مذهبی محلی گسترش می‌دادند (روا، ۱۳۸۷: ۲۰۱).

ویژگی نسل دوم القاعده (که پس از سال ۱۹۹۲ جذب شدند) فاصله گرفتن از دنیای مسلمان است، درحالی‌که مدعی نمایندگی این دنیای مسلمان دارند. اینان کشورهای اصلی خویش را ترک کرده و برای درس خواندن یا مبارزه کردن مهاجرت کرده‌اند. بخش عظیمی از بنیادگرایان اسلامی در غرب مستقر شده‌اند، برخی از اینان ملیت کشور محل اقامت خویش را به دست آورده بودند، بدون این که در این کشور جذب و ادغام شوند (همان: ۳۳).

## ۳- نگرش‌های مخالف در جهان مسلمان نسبت به حادثه ۱۱ سپتامبر و القاعده

بسیاری از اسلامگرایان و به طور کل مسلمانان به مخالفت با حملات ۱۱ سپتامبر پرداختند. حتی در درون جریان القاعده انتقادات در مورد رهبری بن لادن مطرح شد (همان: ۳۳). در روزنامه عربی الشرق الاوسط یک مقاله انتقادی از یکی از اعضای ارشد شورای القاعده به نام ابوالولید المصری تحت عنوان «داستان اعراب افغان: از ورود به افغانستان تا تبعید نهایی با طالبان» چاپ شد که بن لادن را به شدت مورد انتقاد قرار داد. در این مقاله المصری، بن لادن را متهم می‌کند که یک ساختار قبیلگی درست کرده و به انتقادات دیگران توجه ندارد. از نظر او بن لادن قدرت آمریکا را دست کم گرفته است. او موضوع شکست آمریکایی‌ها در بیروت در سال ۱۹۸۳ و در سومالی در سال ۱۹۹۲ را که بن لادن به آنها افتخار می‌کند شرمساری می‌خواند و معتقد است آمریکا در تلافی همین شکست‌ها هم طالبان و هم القاعده را به نحو فجیع سرکوب کرد (الشرق الاوسط، ۸ و ۹ دسامبر ۲۰۰۵).

از نقدهای قابل توجه دیگر نقد جماعت اسلامی مصر است. آنها گفتمان جدیدی بر اساس مشارکت مسالمت آمیز با دولت و جامعه مطرح کردند. آنها اقرار کردند که جهاد یک تکلیف عینی است که علمای اسلامی صالح باید دستور آن را صادر کنند و نه یک تکلیف شخصی (به نقل از عباس زاده ، ۱۳۸۹: ۱۵۳). کرم زهدی، رئیس مجلس مشورتی «جماعت» و ابراهیم عبدالله، نظریه پرداز «جماعت»، در مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط اذعان کردند که سازمانشان در خصوص حمله علیه مقامات مصری دچار اشتباه شده و آنها حق اعلام جهاد نداشته‌اند (الشرق الاوسط، ۱۵ و ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۲).

جریان اصلی اسلامگرایان یعنی اخوان المسلمین و افراد مستقل مذهبی و روحانیون، حملات القاعده به ایالات متحده را برای اسلام و مسلمانان مضر اعلام کردند (عباس زاده ، همان).

اسلامگرایان مدرن و روشنفکر نیز قاعدتاً حملات القاعده را مورد انتقاد قرار می‌دهند؛ طارق البشیری، حقوقدان و تاریخ نگار، حمله ۱۱ سپتامبر را یک انحراف عجیب از الگوی تاریخی جنبش مقاومت ملی در جهان اسلام می‌داند. حملات مذکور از نظر او به نحو خطرناکی منازعه بین اسلام و غرب را گسترش داده است (Gerges, 2005: 241). البته نباید از نظر دور داشت که گرچه بسیاری از اسلامگرایان، تروریسم را رد می‌کنند اما ایالات متحده را مسوول جنگ غیر مستقیم علیه مسلمانان می‌دانند. آنها معتقدند مسلمانان راهی جز مقاومت علیه تجاوز ندارند. البشیری ایالات متحده را به تجاوز علیه مسلمانان در فلسطین افغانستان و عراق متهم می‌کند و حتی از مسلمانان می‌خواهد که در برابر آمریکا مقاومت کنند (Ibid:241). احمد کمال ابوالمجد، یک اسلامگرای لیبرال برجسته، در مقاله انتقادی تحت عنوان «تروریسم، اسلام و آینده نظام بین‌الملل» به ساختار شکنی القاعده می‌پردازد. او معتقد است در اذهان بسیاری از غربی‌ها، اسلام مترادف تروریسم است و این دین بزرگ به یک «مساله امنیتی» تقلیل یافته است. او مسلمانان بنیادگرای خشونت طلب و جهادی را مسئول مسموم کردن اذهان غرب و تشدید خصومت‌ها علیه مسلمانان می‌داند (Ibid: 242). رضوان السید، محقق تحصیلکرده الازهر، معتقد است جنایتی که در نیویورک و واشنگتن رخ داد یک رسوایی و یک شرم بود و دلالت بر شکست اعراب در اصلاح نظام سیاسی و مذهبی و همچنین دلالت بر شکست اعراب در ساختن روابط سالم و عادی با بقیه دنیا داشت (Ibid: 243).

### ب) پس از ۱۱ سپتامبر: گذار از القاعده به القاعده گرایي

القاعده از بازیگران جهانی است که از حادثه ۱۱ سپتامبر - که نقطه عطفی در «جهادگرایی نوین» محسوب می‌شود - دچار تحولات عمیقی شده است. بررسی مقایسه ای وضعیت القاعده قبل و پس از ۱۱ سپتامبر به خوبی نشان دهنده این مطلب است. القاعده تا قبل از این تاریخ بیشتر حالت یک سازمان تمرکزگرا داشت که دارای سلسله مراتب بود و حتی به لحاظ موقعیت جغرافیایی در یک مکان مشخص (افغانستان) تمرکز داشت. اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن حمله آمریکا به افغانستان، پایگاه‌های القاعده به عنوان یک سازمان در افغانستان به طور کلی از بین رفت و از آن به بعد با پراکندگی اعضای القاعده و ایدئولوژی آن در سطح جهانی دوره جدیدی از فعالیت القاعده تحت عنوان «القاعده‌گرایی»<sup>۱</sup>، به ظهور رسید. القاعده پس از ۱۱ سپتامبر بیشتر یک «ایدئولوژی» است تا یک «سازمان» (عباس زاده، همان: ۱۵۲). بعد از حمله ۱۱ سپتامبر و به تبع آن حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ اعضای القاعده پراکنده شدند. در واقع پس از ۱۱ سپتامبر جبهه جهاد جهانی به یک حالت هرج و مرج طلبانه و پر از تنوع و اختلاف روی آورده است. هسته مرکزی شبکه القاعده و تشکیلات آن در اثر اقدامات نظامی، امنیتی و اطلاعاتی از بین رفته یا بهتر است بگوییم تضعیف شده است. اما آنچه بیشتر از هر زمان دیگری قوی تر شده است ایده القاعده است (Burke, 2004: 14).

جیسین برک (۲۰۰۴) در کتاب خود مراحل تکامل القاعده را به سه مرحله تقسیم کرده که در هر کدام القاعده معنای خاص خود را دارد: مرحله اول از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶ را شامل می‌شود و القاعده به معنای «پیشگام» است؛ پیشگام جنبش‌های آزادیخواه و استقلال طلب اسلامی در سراسر جهان. هدف القاعده در این مرحله هدایت جنگ علیه شوروی به سوی خارج از افغانستان و ادامه آن در دیگر سرزمین‌هایی مثل فلسطین، کشمیر، چین و غیره بود. همچنین در میدان نبردی دیگر القاعده به هدایت و رهبری مبارزه در داخل کشورهای اسلامی علیه رژیم‌های «سکیولار» محلی می‌پردازد. مرحله دوم که از سال ۱۹۹۶ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را شامل می‌شود و القاعده به معنای «پایگاه» است. پس از صدور «اعلامیه جهاد» از سوی بن لادن یک پایگاه یا هسته مرکزی و زیر ساختار آموزشی برای جنگجویان مسلمان در افغانستان ایجاد شد تا به جهاد بین‌المللی علیه غربی‌ها به رهبری آمریکا و کمک به مسلمانان تحت ستم

در سراسر جهان پردازند. مرحله سوم نیز از ۱۱ سپتامبر به بعد را شامل می‌شود و القاعده از این به بعد به معنی «حکم و قاعده» است. یعنی پس از ویرانی پایگاه‌های القاعده در افغانستان در جریان حمله آمریکا به افغانستان، القاعده در سراسر جهان پراکنده شد و ایدئولوژی آن در سطح جهان گسترش یافت. برک اضافه می‌کند که اکنون هر کس ایده القاعده را دارد عضو القاعده محسوب می‌شود (Ibid: 8-14). القاعده در مرحله تکامل خود پس از ۱۱ سپتامبر به یک سازمان بسیار منعطف با قابلیت دسترسی جهانی تبدیل شده است. هیچ سازمان تروریستی تا به حال به لحاظ پیچیدگی و شکنندگی و دسترسی جهانی مثل القاعده نبوده است (Kurth Cronin, 2006: 33).

یکی از اهداف اصلی القاعده ایجاد تفرقه میان ایالات متحده آمریکا و متحدانش است. القاعده، به عنوان یک سازمان سیاسی پیچیده تروریستی در تلاش است تا با وسعت بخشیدن به دامنه مخاطبانش و افزودن بر جذابیتش به این مهم دست یابد. راه حل القاعده ایجاد پیمان‌های محلی در مناطق مختلف هم با گروه‌های شناخته شده و هم با گروه‌های کمتر شناخته شده می‌باشد. این اتحادها به القاعده کمک می‌کند تا محدوده دسترسی خود را گسترش داده، انعطاف‌پذیرتر شده و نیروهایش را افزایش دهد (Moghadam, 2009).

گوناراتنا معتقد است که القاعده پس از حملات سپتامبر به گونه‌ای رشد یافته که می‌تواند بدون فرماندهی مرکزی به اجرای عملیات پردازد. گروه‌های محلی و منطقه‌ای با ارتباط‌های سری ضعیف اجرای عملیات را به عهده می‌گیرند. تجزیه و پخش شدن القاعده به لحاظ کارکردی هم در زیر ساخت‌ها و هم در شبکه‌ها، امنیت عملیاتی آن را تا حد بالایی تضمین می‌کند. شبکه سلولی القاعده در برابر نفوذ دستگاه‌های اطلاعاتی مقاوم است، چون سلسله مراتبی نیست تا نفوذ در داخل آن آسان باشد (Gunaratna, 2002: 10 - 11).

القاعده پس از فروپاشی پایگاه‌هایش در افغانستان از طریق روابط بسیار ضعیف و منعطف با جهادی‌های محلی در کشورهای مختلف جهان به حیات خود ادامه داده است. ایده القاعده در سراسر جهان گسترش یافته است. گروه‌های مختلف جهادی محلی با بهره‌گیری از یک ایدئولوژی مشترک به طور مستقل دست به اقدامات تروریستی می‌زنند. برای همین برخی برای توضیح القاعده در دوره جدید از عبارات «القاعده جدید» یا «القاعده ۲» یا «جنبش القاعده» استفاده می‌کنند (Cruickshank & Hage, 2007: 2).

القاعده، راهبرد خود را به سمت اتکاء بر گروه‌ها و سازمان‌های افقی تغییر داده است. برخی برای فهم القاعده آن‌را به عنوان حلقه‌های چند لایه توصیف کرده‌اند؛ حلقه داخلی از هسته مرکزی سازمان القاعده تشکیل شده است که از چند عضو وفادار قسم خورده تشکیل می‌شود. حلقه دوم از چندین هزار نیروی جهادی که در اردوگاه‌های تروریستی افغانستان آموزش دیده‌اند و حلقه‌های بیرونی از مسلمانانی تشکیل شده است که با دیدگاه خاص بن لادن در مورد غرب به عنوان دشمن مشترک اسلام و جهاد با آن موافقت دارند (Bunker, 2006: 121). اینترنت یکی از مهم‌ترین ابزارهاست که برای گسترش عقاید القاعده از سوی نیروهای جهادی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. از طریق اینترنت پیام‌ها، فتواها، هشدارها و آموزش اعضای آینده در سطح وسیع انتشار می‌یابد. جنبش القاعده یا جنبش جهاد جهانی به طور موفق از ابزار جهانی شدن و وسایل ارتباطی و اطلاعاتی برای ارتباط با مخاطبان بسیار شامل اعضای بالقوه جدید، حامیان فعال، طرفداران منفعل، شاهدان بی طرف، دولت‌های دشمن و قربانیان احتمالی استفاده کرده است (Kurth Cronin, 2006: 135).

وب سایت‌های جهادی وابسته به القاعده دارای بخش‌های مختلف می‌باشند؛ به عنوان مثال بخش «مذهبی» که شامل فتاوی و تفاسیر مختلف از آیات و احادیث راجع به جهاد و شهادت است. در بخش مربوط به کیفیت «جهاد» اعضای بالقوه به پیوستن به مبارزه علیه آمریکا و رژیم‌های فاسد در منطقه تشویق می‌شوند. در این بخش تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مبارزات چریکی و تروریستی از جمله چگونگی ساخت وسایل انفجاری و نحوه استفاده از آنها آموزش داده می‌شود. مجموعه‌های گردآوری شده در مورد «شهادت» و آخرین خواسته‌ها و آمال آنها اغلب به شکل تصویر و یا ویدئو نیز از بخش‌های دیگر در این وب سایت‌ها می‌باشد. در واقع وب سایت‌های جهادی تروریست‌های منزوی و پراکنده - به لحاظ جغرافیایی - را در اجتماعات افراط‌گرایی فراملی به هم پیوند می‌دهند که با هم جنبش جهاد جهانی علیه دشمن مشترک را به وجود آورند (عباس زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

هرکسی می‌تواند در افغانستان یا پاکستان از سوی یکی از گروه‌های متحد القاعده نظیر طالبان پاکستان یا گروه جلال‌الدین حقانی در افغانستان آموزش ببیند. امروزه در هر کشور اروپایی یک سلول خفته این شبکه وجود دارد و صدها تن از مسلمانان اروپایی به مناطق قبیله نشین پاکستان سفر کرده، آموزش دیده و به اروپا باز گشته‌اند. در ایالات متحده هم مواردی



وجود داشته است که افراد بعد از آموزش در پاکستان به یکی از شهرهای عمده آمریکا بازگشته و سعی کرده‌اند دست به حمله تروریستی بزنند (رشید، ۲۰۱۱).

اقدامات تروریستی القاعده توسط شبکه‌های «خودسازمان» یافته از دوستان و نزدیکان صورت می‌گیرد که برای اجرای حملات دور هم جمع می‌شوند و پس از اجرای عملیات ناپدید و پراکنده می‌شوند تا به گروه‌های جدید شکل دهند (Atran, 2006: 135). شبکه القاعده به گفته پل پیلار چیزی شبیه به اینترنت است؛ یک پدیده فراملی که در سال‌های اخیر رشد یافته و برخی مردم برای اهداف خود از آن استفاده می‌کنند اما هیچ کس بر آن مالکیت ندارد و آن را کنترل نمی‌کند (Pillar, 2001: 55).

فلسفه شبکه القاعده این است که به ۱۱ سپتامبر دیگری نیاز ندارد بلکه با یک بمب گذار و یک بمب می‌تواند موجودیت خود را به اثبات برساند و با کار گذاشتن بمب در یک نقطه جهان به عضویت این شبکه در آید (رشید، همان).

برخی مصطفی ستماریام ناصر معروف به ابومصعب السوری را معمار القاعده جدید میدانند (Cruickshank & Hage, 2007). این جهادگرایی اسلامی در سال ۲۰۰۴ کتاب یک هزار و ششصد صفحه‌ای تحت عنوان «دعوت برای مقاومت اسلامی جهانی» که از اواخر سال مذکور در سایت‌های جهادی به وفور دیده می‌شد را منتشر کرد. وی در این کتاب توضیح داد که جهاد بین‌المللی چگونه باید به لحاظ تاکتیکی و استراتژیکی مبارزات خود را متحول کند و به پیش برود. ابومصعب السوری معتقد است که جهادگرایان باید به سمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی حرکت کنند تا بتوانند تلفات حملات خود را بالا ببرند. او ادامه می‌دهد که جهادگرایان آینده باید «در هر کجای جهان که می‌توانند دست به ترور بزنند و هیچ تمایزی بین مرد، زن و کودک قائل نباشند.» ابومصعب السوری پیروان خود را به کشتار «مسیحی‌ها و یهودی‌ها و رژیم‌های فاسد کشورهای اسلامی» دعوت می‌کند و ضدیت و تنفر بسیار زیادی با مذهب شیعه دارد (Ibid: 6 - 7).

به گفته کرویکشانک، السوری یک مفهوم استراتژیکی جدیدی برای جهاد ارائه کرد. این مفهوم جدید همان «تروریسم شخصی» است که باید جایگزین تروریسم سلسله‌مراتبی و هماهنگ شده القاعده می‌شد. او در توجیه این مفهوم جدید می‌گوید به چند دلیل جهادگرایان باید از این شیوه استفاده کنند: «اولاً به خاطر اینکه سازمان‌های سلسله‌مراتبی نتوانستند به جذب مسلمانان بپردازند. جوانان از پیوستن به آنها هراس دارند. ثانیاً ما باید به جوانان این

فرصت را بدهیم تا از خود ابتکار به خرج دهند و به تنهایی به ایفای نقش بپردازند. برخی جوانان می‌خواهند با اتکا به عقاید خود مستقلانه عمل کنند. ثالثاً رژیم‌های مسیحی، یهودی و رژیم‌های فاسد در کشورهای اسلامی به مسلمانان جوان [که خواهان پیوستن به القاعده هستند] فشار وارد می‌کنند» (Ibid: 8). پس از ۱۱ سپتامبر القاعده تا حد زیادی در همان مسیری که ابومصعب السوری مشخص کرد دگرگون شده است؛ حملات تروریستی توسط شبکه‌های محلی خودجوش که السوری به آنها توصیه کرد انجام می‌شود.

این بحث که ایالات متحده با اسلام در ستیز است مادامی که نیروهای ایالات متحده در عراق و افغانستان باقی بمانند پرتنین باقی خواهد ماند. القاعده با قرار دادن ناراضی‌های محلی و ملی در چارچوبی فراملیتی جذبه خویش را افزایش داده است. در زمانی که ایدئولوژی‌های دیگر (به جز ناسیونالیسم) رو به زوال هستند، اعتقادات القاعده ایدئولوژی عصر حاضر هستند. تأکید افراد و گروه‌های شاخص در جهان اسلامی بر زیانباری اقدامات القاعده برای مسلمانان به نحو قابل ملاحظه‌ای این گروه را تضعیف می‌سازد؛ اما القاعده چنانچه توجه خود را به عرضه ناراضی‌ها علیه ایالات متحده تغییر دهد در جذب طرفداران موفق‌تر خواهد بود (Moghadam, 2009).

روند مهم در ارتباط با ساختار القاعده آن است که در سال‌های آتی القاعده موجودیتی چند قطبی، جهانی و کمتر یکپارچه خواهد بود که بر یک منطقه واحد متمرکز نیست. گرچه احتمالاً منطقه افغان-پاکستان قطب مرکزی باقی می‌ماند، حضور القاعده در چهار یا پنج قطب منطقه ای افزایش یافته و جهت گسترش تبلیغات تاکتیک‌های حملات انتحاری و کاربرد اینترنت را اتخاذ کرده است (Ibid, 2009).

### ج) «جهادگرایی نوین» در دوران پس از بن لادن

از بین بردن اسامه بن لادن، به عنوان رهبر یک گروه تروریستی، مهم است اما کافی نیست. شکست یک سازمان تروریستی یا چریکی نیاز به یک رویکرد همه جانبه (جامع) دارد که امنیت پایه ای و حکومت اصلی را برای جلوگیری از ریشه دواندن یک رژیم سایه<sup>۱</sup> فراهم کند. که رویکرد اتخاذی ایالات متحده در عراق و سپس افغانستان بود (Boot, 2011). به نظر جان برنن،

1- Shadow Regime

مشاور امور ضد تروریسم کاخ سفید، پس از مرگ اسامه بن لادن القاعده گرچه تضعیف شده اما همچنان یک خطر است (بی بی سی فارسی، ۳ مه ۲۰۱۱). اینترپل نیز در بیانیه ای اعلام کرد که القاعده با کشته شدن بن لادن ضربه بزرگی خورد اما تهدید ترور جهانی کماکان زیاد است (Interpol, 2 May 2011). القاعده و سایر گروه‌های جهادی مرتبط با آن حتی می‌توانند از این لحظه به عنوان فرصتی برای بازسازی خود استفاده کنند. تمرکز زدایی از جهادگرایی معاصر، چالش‌هایی را که پیش‌تر پیش روی سیاست‌مقابله با تروریسم ایالات متحده بود را تقویت خواهد کرد، به ویژه با توجه به جنگ در افغانستان و کمبود فزاینده منابع (Gallo & Helfstein, 2011).

### نتیجه گیری

علیرغم آنکه جهاد در اسلام مطلقاً ماهیت دفاعی دارد و نظریه‌های جدید فقهی، اندیشه کلاسیک مسلمانان در تقسیم جهاد به ابتدایی و دفاعی را از بنیاد انکار و نامربوط می‌دانند جهادگرایان نوین با استفاده گزینشی از آیات قرآن کریم، و واجب عینی اعلام کردن آن؛ همچنین محدود کردن مفهوم جهاد به نوع اصغر آن - جنگ در راه عقیده - و نادیده گرفتن جلوه خودسازانه و اکبر آن - مبارزه با نفس - جبهه جنگی علیه غرب گشوده‌اند.

«جهادگرایی نوین»، به صورت واکنش افراط‌گرایان خشونت‌گرای اسلامی، علیه هژمونی غربی برجستگی یافته است. جهادگرایان نوین این واکنش را به مثابه راه رسیدن به خشنودی خدای خود و رستگاری میدانند؛ ضمن اینکه در این واکنش، در توهم پیروزی بر غرب و آفرینش یک بدیل اسلامی خیالی گرفتار هستند.

از آنجا «جهادگرایی نوین» در بستر جهانی شدن رشد و نمو یافته است، از ابزارهای جهانی شدن مثل تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کند؛ و القاعده گرایی فراملیتی، به عنوان جهادگرایی نوین جهانی شده، به یک شبکه غیرمتمرکز فرا سرزمینی تبدیل گشته است. ۱۱ سپتامبر بیانیه آشکاری بود از اثربخشی جهادگرایی نوین.

افراط‌گرایان خشونت طلب اسلامی با قرار دادن نارضایتی‌های محلی و ملی در چارچوبی فراملیتی جذبه خویش را افزایش داده‌اند.

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با تمرکززدایی از القاعده، پراکندگی اعضای القاعده و ایدئولوژی آن در سطح جهانی، دوره جدیدی از فعالیت القاعده تحت عنوان القاعده‌گرایی، به ظهور رسید.

القاعده پس از ۱۱ سپتامبر بیشتر یک ایدئولوژی است تا یک سازمان. شبکه القاعده توانایی خوبی در تطبیق خود با شرایط حاکم دارد. پس از مرگ بن لادن در ۱ می ۲۰۱۱، چالش‌هایی که پیش‌تر پیش‌روی سیاست‌مقابله با تروریسم جامعه جهانی بود کم نخواهد شد. می‌توان گفت ایده‌آل‌های غرب در سراسر جهان منتشر خواهند شد اما هیچ کدام از جهادگرایان و غرب نخواهند توانست به توافقی عقلانی دست یابند. جهادگرایی که معتقدند صرف وجود غرب یک تهدید است به کاربرد خشونت غیرمتمرکز در مبارزه با دشمن جهانی که امکان نادیده گرفتن آن نیست ادامه خواهند داد.

### فهرست منابع

#### الف) منابع فارسی

اسپوزیتو، جان (۱۳۸۴). **جنگ نامقدس ترور بنام اسلام**، ترجمه ماری هجران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی.

رشید، احمد (۲۰۱۱). «سرنوشت شبکه القاعده بعد از اسامه بن لادن»، **بی بی سی**، ببینید:

[http://www.bbc.co.uk/persian/world/2011/05/110502\\_124\\_binladen\\_ahmad\\_rashid.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/world/2011/05/110502_124_binladen_ahmad_rashid.shtml)

روا، الیویه (۱۳۸۷). **اسلام جهانی شده**، ترجمه حسن فرشتیان. قم: موسسه بوستان کتاب.

صالحی نجف آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۲ش). **جهاد در اسلام**. تهران: نشر نی.

عباس زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۸۸). «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)».

**فصلنامه سیاست**، دوره ۳۹، شماره ۴، صص، ۱۰۹-۱۲۸.

عباس زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۸۹). «القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تاکید بر عراق)».

**سیاست**، دوره ۴۰، شماره ۲، صص، ۱۵۱-۱۷۰.

فیرحی، داود (۱۳۸۷). «مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی».

**فصلنامه سیاست**، دوره ۳۸، شماره ۱، صص، ۱۳۱-۱۵۹.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). **جهاد**. قم: صدرا.

#### ب) منابع عربی

ابو البرکات، سید احمد الدردیر (۱۹۸۶م). **الشرح الکبیر**، جلد ۲. بیروت: دارالفکر.

البعلی، ابو عبدالله محمد بن ابی الفتح الحنبلی (۱۹۸۱م). **المطلع علی ابواب الفقه-المطلع علی**

**ابواب المقنع**. بیروت: المکتب الاسلامی.

الزيعلى، فخر الدين عثمان ابن على الحنفى (١٣١٣ق). **تبيين الحقايق**، جلد ٣. القاهرة: دار الكتب الاسلامى.

السرخسى، شمس الدين (١٤٠٦ق/١٩٨٦م). **المبسوط**، جلد ١٠. بيروت: دار المعرفة.

الشافعى، محمد بن ادريس (١٣٩٣ق). **الأم**، جلد ٤. بيروت: دار المعرفة.

الطباطبايى، سيد على (١٤١٢ق). **رياض المسائل**، جلد ١. قم: مؤسسة آل البيت.

الطبرى، محمد بن جرير (١٤٠٥ق). **تفسير الطبرى**، جلد ١٠. بيروت: دار الفكر.

الطوسى، شيخ ابو جعفر محمد (بى تاريخ). **النهايه فى مجرد الفقه والفتاوى**. بيروت: دار الاندلس.

القرطبى، ابو عمر يوسف بن عبد (١٤٠٧ق). **الكافى لابن ابى البركات**. بيروت: دار الكتب العلميه.

المقدسى، عبد الله بن قدامة (بى تاريخ). **الكافى فى فقه ابن حنبل**، جلد ٤. بيروت: المكتب الاسلامى.

المقرى، هبة الله بن سلامة بن نصر (١٤٠٤ق/١٩٨٤م). **الناسخ و المنسوخ**، جلد ١. بيروت: المكتب الاسلامى.

عبد، شيخ محمد (١٤١٧ق). **تفسير المنار**. بيروت: بى نا.

### ج) منابع انگليسى

Atran, Scott (2006). "The Moral Logic and Growth of Suicide Terrorism," **The Washington Quarterly**, Vol. 29, No. 2.

Boot, Max (2011). "Al Qaeda's Prognosis: Can Terrorist Groups Live Without Their Leaders?," **foreignaffairs**, See:

<http://www.foreignaffairs.com/articles/67832/max-boot/al-qaedas-prognosis>

Bunker, Robert J. (2006). **Networks, Terrorism and Global Insurgency**, New York: Routledge.

Burke, Jason (2004). **Al-Qaeda: The True Story of Radical Islam**, London: I.B. Tauris.

Campbell, Kurt M. (2002). "Globalization's First War?," **The Washington Quarterly**, Vol. 25, No. 1.

Clement, M. Henry (2005). "The clash of Globalizations in the Middle East," in Louise Fawcett (ed.), **International Relations of the Middle East**, Oxford: The University Press .

Crenshaw, Martha (2001). "Why America? The Globalization of Civil War," **Current History**, Vol. 100, No. 650, pp. 425-432.

Cruickshank, Paul and Hage, Mohammad Ali (2007). "Abu Musab Al Suri: Architect of the New Al-Qaeda," **Studies in Conflict & Terrorism**, Vol. 30, No. 1.

- Gallo, Alexander and Helfstein, Scott (2011). "Springtime for Jihadis," Foreign Affairs, See: <http://www.foreignaffairs.com/articles/67839/alexander-gallo-and-scott-helfstein/springtime-for-jihadis?page=show>
- Gerges, Fawaz A. (2005). **The Far Enemy: Why Jihad Went Global**, New York: Cambridge University Press.
- Griffel, Frank (2003). "Globalization and the Middle East: Part Two," Yale Global, See: <http://yaleglobal.yale.edu/content/globalization-and-middle-east-part-two>
- Guazzone, Laura (1997). **The Middle East in Global Change: The Politics and Economics of Interdependence versus Fragmentation**, London: Macmillan Press.
- Gunaratna, Rohan (2002). **Inside Al-Qaeda: Global Network of Terror**, New York: Colombia University Press.
- Hinnebusch, Raymond (2003). **The International Politics of the Middle East**, Manchester: Manchester University Press .
- Holliday, Fred (2003). **Islam and the Myth of Confrontation: Religion and Politics in the Middle East**, London: I.B Tauris and Co. Ltd .
- Huntington, Samuel (1996). **The Clash of Civilizations and the Remaking of the World Order**, New York: Simon and Schuster.
- Interpol (2011). "Al Qaeda dealt severe blow by Bin Laden death, but global terror threat remains high," See: <http://www.interpol.int/default.asp>
- Kellner, Douglas (2005). "Globalization, Terrorism and Democracy: 9/11 and its Aftermath," in **Confronting Globalization: Humanity, Justice and the Renewal of Politics**, Basingstoke [etc.]: Palgrave Macmillan .
- Kurth Cronin, Audrey (2006). "How AL-Qaeda Ends; The Decline and Demise of Terrorist Groups," **International Security**, Vol. 31, No. 1.
- Lewis, Bernard (1990). "The Roots of Muslim Rage," **Atlantic Monthly**, 266 (3).
- Lewis, Bernard (1998). **The Political Language of Islam**, Chicago: University of Chicago Press.
- Moghadam, Assaf (2009). "Al-Qaeda Today," See: <http://www.washingtoninstitute.org/templateC05.php?CID=3012>
- Najjar, Fauzi (2005). "The Arabs, Islam and Globalization," **Middle East Policy**, Vol. 12, No. 3.
- Olivet, Vincenzo (2002). **Terror's Source: The Ideology of Wahhabi – Salafism and its Consequences**, United Kingdom: Am de Usbooks.
- Pillar, Paul (2001). **Terrorism and U.S. Foreign Policy**, Washington D.C: Brookings Institution Press.
- Scruton, Roger (2002). **The West and the Rest: Globalisation and the Terrorist Threat**, London: Continuum.
- Walton, C. Dale (2004). "The West and Its Antagonists: Culture, Globalization, and the War on Terrorism," **Comparative Strategy**, Vol. 23, No. 3.